

کاربرد هنر

برای دانشجو معلمان

دانشگاه فرهنگیان - پردیسهای استان اردبیل

درس کاربرد هنر در آموزش

مدرس

صابر صفایی

هنر، یکی از بارزترین جلوه‌های اسرارآمیز فرهنگ و تمدن انسانی است که همواره بر حیات انسانی سایه افکنده است. هنر، اولین و بهترین روش شناخته شده برای پرورش خلاقیت (تولید یک ایده و یا محصول نو)، یادگیری، استعداد، هوش و نشاط افزایی است. متخصصین امر تعلیم و تربیت براین باورند که بهترین و مؤثرترین راه برای آموزش مفاهیم و علوم، روش آموزش غیرمستقیم است که در این راه، استفاده از هنر، نقشی مهم و اساسی دارد. برای داشتن و ساختن یک جامعه‌ی موفق، نیازمند آموزش و پرورش سالم و موفق برای نوآموزان و آینده‌ی جامعه هستیم. اولین و مهم‌ترین مرحله‌ی آموزش و پرورش، دوره‌ی ابتدایی است که کودکان با قابلیت و استعدادهای متفاوتی آماده‌ی پذیرش آموزش‌های عمومی و اساسی هستند. در این میان، درس هنر با شاخه‌های مختلف و گوناگونی که دارد می‌تواند در تسهیل و تعجیل امر یادگیری بسیار مفید و مؤثر باشد. به همین دلیل در کشورهای پیشرفته، درس هنر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و ساعات زیادی برای فعالیت هنری اختصاص داده شده است. ذکر این نکته ضروری است که در کشور ما نیز به این مهم پی برده و اقداماتی مفید انجام داده‌اند. تنوع و تعدد دوره‌های آموزش هنر برای معلمان ابتدایی در طول دوران تحصیل و تدریس، نشان از اهمیت درس هنر در این دوره دارد.

انجام دادن فعالیت‌های هنری در فضایی که کودکان، آزادانه تخیل و اندیشه کنند، حواسشان تقویت شود، ظرفیت‌های نهفته‌ی هوش و تفکرشان پرورش یابد، عواطف و احساساتشان توسعه یابد و استعداد و خلاقیت‌هایشان شکوفا شود، به «تربیت هنری منجر» می‌شود. به جرأت می‌توان گفت که همه‌ی کودکان فعالیت‌های هنری را دوست دارند آنها در این گونه فعالیت‌ها و هنگام انجام دادن کارهای عملی، طراحی، ساختن، شکست و پیروزی را تجربه می‌کنند. به این ترتیب زمینه‌ای برای بروز خلاقیت و احساسات آن‌ها فراهم می‌شود.

تعریف هنر

برای هنر، در اقوام و فرهنگ‌های مختلف، تعاریف و واژه‌های گوناگونی ذکر شده است و شاید نتوان تعریف دقیق و شایسته‌ای برای آن نوشت زیرا برای هنر، نمی‌توان مانند اشیا و عناصر طبیعی، فرمول یا ضابطه‌ای خاص تعیین نمود، و از نظر منطقی، جنس، فصل و حد آن را ترسیم نموده و تعریف علمی از آن ارائه داد؛ چرا که هنر، امری معنوی است. در زبان سانسکریت «سو» به معنی نیک و «نر» یا «نره» به معنی زن و مرد است اما باید گفت که «هونر» از واژه‌های متون کهن اوستایی است و با اندکی تغییر با سانسکریت، از پیشوند «هو» به معنی خوب و واژه‌ی «نر» به معانی مردانگی، فضیلت و توانایی ترکیب یافته است بنابراین «هونر» در اوستا به معنی «توانایی خوب و برتری» و «هنر» در زبان فارسی پهلوی به معنی «**انسان کامل و فرزانه**»، بیش از هزار سال است که در زبان و شعر فارسی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، ریشه‌ی واژه‌ی هنر به صورت‌های مختلفی آمده که از آن جمله است:

واژه‌ی آرت (Art) به معنی رزمجو و جنگنده در لاتین.

واژه‌ی تکنو (Tecno) به معنی صنعت در فرهنگ یونانی.

واژه‌ی (فن) به معنی صنعت در زبان عربی.

واژه‌ی (صنعت Sanat) در ترکی استانبولی که از عربی گرفته شده است.

واژه‌ی صنایع ظریفه و مستظرفه نیز با الهام از زبان عربی در دوره‌های قبل در ایران استفاده شده و همچنین تعاریف و واژه‌های مزبور مانند «هونر» که معنی آن ذکر شد برای هنر رسا و برازنده نیست.

فرانسویس بیکن، نقاش و فیلسوف مشهور انگلیسی می‌گوید: هنر، عبارت است از طبیعت که انسان به آن اضافه می‌شود.

لئون تولستوی نویسنده‌ی معروف روسی عقیده دارد که دانش و هنر، همچون ریه و دل، پیوند نزدیکی دارند. آن‌چنان‌که اگر یکی نابود شود دیگری نیز نمی‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد. بنابراین هنر و دانش لازم و ملزوم یکدیگر هستند و فعالیت هنری و خلق اثر بدون تفکر و دانش نتیجه‌ی مطلوبی در پی نخواهد داشت. شاعر بلند آوازه، سعدی شیرازی در همین مضمون شعری سروده که از کتاب گلستان اوست:

* خردمند مردم هنرپرورند که تن پروران از هنر لاغرند

که ظاهراً مراد از «هنرپرور» دارنده‌ی دانش و حکمت و هنر است. شعرای نامی دیگری نیز در باب هنر شعر سروده‌اند که برای پرهیز از اطناب، ایاتی چند آورده شده‌اند.

خواجه حافظ شیرازی هم تقوی و دانش را «هنر» شمرده است، آنجا که می‌گوید:

* تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافری است راهرو گر صد هنر دارد، توکل بایش

* کمال سر محبت بین نه نقص گناه که هر که بی هنر افتد نظر به عیب کند (حافظ)

از این غزل حافظ، نوع بینش وی از هنر را نیز می‌توان درک کرد:

* قلندران طریقت به نیم جو نخرند قبای اطلس آن کس که از هنر عاری است

فردوسی «هنر» را مردمی و راستی می‌داند:

* هنر مردمی باشد و راستی ز کزّی بود کمّی و کاستی.

نظامی می‌فرماید:

* در همه چیزی هنر و عیب هست عیب مبین تا هنر آری به دست

و باز از شاعر گرانقدر، نظامی است:

* عیم مکن از عشق که در مکتب ایام آموخته بودم به ازین گر هنری بود

* خاک زمین جز به هنر پاک نیست واین هنر امروز در این خاک نیست

در مثنوی معنوی مولانا، کلمه‌ی هنر، به طور کلی به معنای فضل، فضیلت، کمال اخلاقی، علم، معرفت و دانش آمده است.

* چون غرض آمد هنر پوشیده شد صد حجاب از دل به سوی دیده شد

از شیخ اجل، سعدی شیرازی شعرهای زیادی در مورد هنر وجود دارد که باز، نمونه‌هایی در پی می‌آیند:

* بود مرد هنرور را هر انگشت کلیدی بهر قفل رزق در مشت

از آن دستی که ناید هیچ کاری بود بر تن عجب بیهوده باری

* گر هنر داری و هفتاد عیب دوست نبیند بجز آن یک هنر

* تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد

نظر نگارنده براین است که هنر آن کار یا چیزی است که دیگران را توان انجام آن نیست، همچنین، هنر درجه‌ای از کمال انسان است که شامل دانش، فضیلت و برتری، هوش و فراست هنرمند است و خداوند کمال و جمال هنر را به هر کسی عطا نمی‌کند.

و یا به تعبیری دیگر، هنر به مجموعه‌ای از آثار یا فرآیندهای ساخت انسان اطلاق می‌شود که تأثیر مثبتی بر عواطف و احساسات انسانی دارد. همچنین می‌توان گفت هنر توان و مهارت خلق زیبایی است. آثار هنری نیز به منظور انتقال یک معنا یا مفهوم خلق می‌شوند.

چنین به نظر می‌رسد که برترین هدف هنر، زیبایی است و زیبایی ظاهر، نماینده‌ی خوبی درونی است. آدمی چنان می‌پندارد که اگر به دنبال این زیبایی‌ها برود به خوبی‌ها خواهد رسید. شکی نیست که زیبایی مرحله‌ایست از خوبی و می‌توان گفت کمال هر چیز در زیبایی آن نیز هست اما از نظر دیگر می‌توان گفت زیبایی بر دو گونه است: یکی آنکه با خوبی همراه است و آن کمال زیبایی و هنر است و دیگری آنکه با خوبی همراه نباشد.

مادام دوستال نویسنده‌ی فرانسوی عقیده دارد هنر آفرینی زاده‌ی تأثیر آب و هوا و محیط است. ارنست رنان منتقد فرانسوی می‌گوید: «زیبایی به همان اندازه حقیقت و نیکی دارای اهمیت و ارزش است.» از این رو زیبایی خود برای هنر هدفی است والا. زیبایی را باید درک کرده و شعر، نقاشی و موسیقی را از نظر زیبایی و هنر شناخت. حدیثی از پیامبر اکرم نیز مؤید همین مطالب است: انّ الله جميل و يحب الجمال (خداوند زیباست و زیبایی‌ها را دوست دارد). «آیات قرآن، زیبایی را، هم در زمین و هم در آسمان‌ها مطرح نموده و دستور به نظاره در آن‌ها را صادر کرده است. بنابراین، پدیده‌ی زیبایی در جهان هستی از اهمیت کامل برخوردار است. مسلم است که اگر خداوند برای انسان غریزه‌ی زیاجویی و زیبایی را نداده بود، دستور به توجه به زیبایی را نمی‌داد. به-راستی، اگر جهان هستی از نمود زیبایی خالی بود، نیمی از دریافت‌های مفید انسان‌ها معدوم می‌شد» (جعفری، ۱۳۸۱، ص ۴۰).

تعریف هنر از زبان اندیشمندان

- *. هنر، انعکاس تخیل و تصور هنرمند است.
- *. هنر کلید فهم زندگی است (اسکار وایلد).
- *. آن چه در هنر اساس زیبایی است، راستی و درستی است (نیما یوشیج).
- *. هنر تقلیدی از طبیعت است (ارسطو).
- *. هنر کوششی برای ایجاد زیبایی است (هگل).
- *. هنر انتقال تجربه‌ی شخصی هنرمند و سرایت دادن این احساس به دیگران است (تولستوی).
- *. هنر صرفاً مشاهده‌ی مستقیم واقعیت است (هانری برگسون).
- *. هنر، آفرینش زیبایی است با نیروی دانایی.
- *. هنر، گزارش و ترجمه‌ای است از روح هنرمند.
- *. هنر دعوتی است به سوی سعادت (شیلر)
- *. عنوان هنر را بایستی به چیزهایی اعطا نمود که با آزادی به وجود آمده‌اند (امانوئل کانت).

- *. هنر، گل زندگی است و هنرمند دوست دار واقعی بشر.
- *. هنر، فعالیتی است طبیعی در قلمرو حیوانیت و از امیال جنسی سرچشمه گرفته است (اسپنسر انگلیسی).
- *. هنر، لذت و شوری است که عینیت یافته است.
- *. هنر، تشبیهی از جهان است که ما از آن لذت می‌بریم.
- *. هنر، بیان آرمانی است که هنرمند توانسته در قلمرو آن، به اشیاء صورت تجسمی بخشد.
- *. هنر، کوششی است برای ایجاد زیبایی و عالم ایده‌آل.
- *. هنر، شکل دادن به تجارب انسان است که ما بدان می‌نگریم و از آن لذت می‌بریم.
- *. هنر، نوعی شهود خداست در ظهور جمال (کروچه).
- *. هنر، یعنی بیان احساس و ایجاد تفاهم.
- *. مقصود از علم و فلسفه، کشف حقیقت است و هدف از هنر، تجلی و تمثیل حقیقت است (اقبال لاهوری).

نکاتی پیرامون آموزش هنر در مقطع ابتدایی

آموزش هنر دارای کارکردهای بسیار مهم است که می‌تواند شخصیت فرد را برای اجتماعی زیستن، دردمند بودن، دقیق و حساس بودن پرورش دهد. از همین رو آموزش هنر به کودکان و آشنا نمودن آنان با انواع هنرهای رایج که برپایه‌ی طبیعت درونی پاک آنها و طبیعت بیرونی متنوع اطراف ایشان بنا شده است دارای اهمیت و ضرورت تام است.

در این بخش سعی بر آن است تا مباحثی اساسی و کاربردی در زمینه‌ی هنر و تربیت هنری برای معلمان و مربیانی که در امر خطیر و سرنوشت ساز تعلیم و تربیت کودکان تلاش می‌نمایند ارائه شود. مسلماً برای تدریس مؤثرتر و موفق درس هنر به آموزش - های کامل تر و تخصصی تری نیاز وجود دارد اما امیدواریم با مطالعه و کاربرد کتاب حاضر بتوانند از عهده‌ی تدریسی موفق برآیند.

هوش و هنر

توانایی حل مسئله و یا تولید و خلق یک محصول که حداقل در یک فرهنگ دارای ارزش باشد را «هوش» نامیده‌اند. هوش دارای انواعی است:

- هوش کلامی: روزنامه نگاران و شاعران معمولاً هوش کلامی بالاتری نسبت به بقیه دارند.
- هوش فضایی و مکانی: نقاشان، معماران و خلبانان از این هوش بیشتر بهره برده‌اند.
- هوش منطقی و ریاضی: علمای منطق و ریاضی دانان را شامل می‌گردد.
- هوش حرکتی و جسمانی: جراحان، هنرپیشگان و ورزشکاران دارای هوش حرکتی بیشتری هستند.

هوش موسیقایی: موسیقی دانان و نوازندگان دارای هوش موسیقایی خوبی می باشند.

هوش درون فردی: علمای اخلاق از این هوش بهره بیشتری برده‌اند.

هوش میان فردی: معلمان، سیاستمداران، فروشندگان و درمانگران که با مردم جامعه بیشتر حشر و نشر دارند این هوش را بیشتر پرورش داده اند.

هوش طبیعت گرا: بیشتر زیست شناسان را شامل می شود.

هوش وجود گرا: فلاسفه، مذهب‌یون و اندیشمندان عقلی دارای هوش وجود گرای بالاتری هستند.

هوش، هم جنبه وراثتی و زیستی دارد و هم جنبه اکتسابی. منظور از اکتسابی، این است که افراد جامعه بعد از تولد در تعامل و رفتار با محیط پیرامون خویش می‌توانند ضریب هوشی خود را تقویت کنند. محیط جامعه با توجه به تنوع شرایط و موقعیت‌ها فرد را به تجربه و تصمیم‌گیری‌های مختلف وادار می‌دارد. در خلال این تصمیم‌گیری‌ها و آزمون و خطاها، تجاربی به‌دست می‌آید که می‌تواند قدرت فرد را در حل مسایل پیش رو کمک نماید.

✪ نکته: محیط‌های آموزشی و پرورشی غنی و تشویق‌های کافی از سوی معلمان، والدین و اطرافیان می‌تواند تا حد زیادی علاوه بر افزایش حس اعتماد به نفس و عزت‌مندی کودک، در پرورش هوش او نیز مؤثر باشد.

تربیت هنری

دیدگاه کلی در برنامه‌ی درسی هنر در دوره‌ی ابتدایی تربیت هنری است. تربیت هنری از دیدگاه «جروم هاپس‌من» شامل موارد ذیل می‌شود:

۱- آموزش حواس

۲- رشد تجارب دیداری

۳- آفرینش و فهم شکل‌های نمادین دیداری

۴- رشد تصورات دیداری در نقاشی، مجسمه‌سازی و هنرهای تزئینی

۵- آموزش چگونگی کاربرد تجارب دیداری و نقد و بررسی آنها

✪ نکته‌ی مهم: یکی از ویژگی‌های تربیت هنری، توجه به تفاوت‌های فردی و میزان رشد هر یک از دانش‌آموزان است.

اهداف تربیت هنری در آموزش و پرورش عبارت است از:

- (۱) رشد خلاقیت دانش آموزان
 - (۲) درک دقیق و عمیق حسی نسبت به پدیده‌های هنری
 - (۳) پرورش حواس و به کارگیری آنها
 - (۴) افزایش تجربه‌های دیداری
 - (۵) خلق آثار هنری
 - (۶) شناخت اشکال نمادین دیداری
 - (۷) توانایی ابراز هنرمندانه
 - (۸) شناخت و فهم تاریخی - فرهنگی
 - (۹) افزایش حساسیت نسبت به ابعاد زیبایی شناختی پدیده‌ها
 - (۱۰) دقت و توجه به طبیعت و عناصر موجود در آن
- در تربیت هنری، دانش آموزان باید یاد بگیرند که:
- چگونه ببینند، چگونه بشنوند، چگونه ارتباط برقرار کنند و نهایتاً چگونه آفرینش هنری داشته باشند .

موضوعات کلی تربیت هنری عبارتند از :

- ۱- زیبایی شناسی: نظم، تقارن، تناسب، هماهنگی، انسجام.
- زیبایی‌های عینی می‌توانند در پرورش زیبایی‌های ذهنی و عقلی بسیار مؤثر باشند .
- ۲- ارتباط با طبیعت: طبیعت یکی از مهمترین و اصلی ترین منابع الهام است. رنگ‌ها، آواز پرندگان، بوها، ترکیب‌ها، تضادها، شکل‌ها و ...
- ۳- آشنایی با تاریخ هنر: آثار باستانی و تاریخی، آداب و رسوم و سنت های پسندیده، میراث فرهنگی
- ۴- تولید محصول هنری: آشنایی با ابزار، مواد هنری و کاربرد آنها و تولید اثر بر اساس تفکرات و تخیلات
- ۵- نقد هنری: توضیح، بحث و گفتگو در خصوص آثار هنری خود و دیگران

ضرورت و کارکردهای فعالیت هنری در دوره ابتدایی

۱- افزایش مهارت‌های کلامی و بیان غیر کلامی کودکان

۲- افزایش صبر و تحمل و سعه‌ی صدر در کودکان

۳- تقویت نظم و انضباط در کودکان

۴- توانایی برقراری ارتباط مطلوب با محیط

۵- کنترل عواطف و تخیلات

۶- تقویت یادگیری، حافظه و دقت کودکان

۷- توسعه‌ی تجارب و سازمندی آن

۸- افزایش اعتماد به نفس

۹- تلاش و موفقیت بیشتر

اهداف برنامه درسی هنر در دوره ابتدایی

الف) اهداف غایی: این اهداف برگرفته از فلسفه حیات اسلام است. هدف غایی انسان رسیدن به مقام جانشینی و قرب خداوند است.

ب) اهداف کلی: این اهداف برگرفته از فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی است که در چهار عرصه تبیین می‌گردد:

۱- در ارتباط با خود ۲- در ارتباط با خدا ۳- در ارتباط با دیگران ۴- در ارتباط با محیط.

عناصر اصلی اهداف کلی در اسلام عبارتند از: تفکر، ایمان، علم، اخلاق، عمل

ج) اهداف تفصیلی: در ذیل هر یک از عناصر پنج‌گانه‌ی بالا، اهدافی تعیین گردیده است (موضوعات کلی تربیت هنری).

د) اهداف جزئی: که در سه حوزه‌ی دانش، مهارت و نگرش تدوین گردیده است.

در حوزه‌ی دانش، اهداف عبارتند از:

⊙ آشنایی با خلقت

⊙ آشنایی با رشته‌های هنری

⊙ آشنایی با مواد و ابزار مختلف هنری

⑤ آشنایی با میراث فرهنگی، هنری ایران

در حوزه‌ی مهارت، اهداف عبارتند از :

∅ پرورش استعداد های حسی و حرکتی

∅ پرورش استعداد های گفتاری

∅ پرورش تفکر

∅ پرورش قدرت بیان احساسات و افکار به زبان هنر

∅ کسب و توسعه‌ی مهارت های اجتماعی

در حوزه‌ی **نگرش**، اهداف عبارتند از :

⊗ توجه به زیبایی ها و خالق زیبایی ها

⊗ تمایل به ابراز احساسات و افکار

⊗ توجه به قابلیت های خود و اعتماد به نفس

⊗ علاقه به کاوش هنری و تجربه

⊗ توجه به حفظ میراث فرهنگی و هنری

⊗ تمایل به فعالیت هنری گروهی

روش های یاددهی – یادگیری فعالیت های هنری در دوره‌ی ابتدایی

۱- روش توضیحی: در این روش معلم به توضیح رشته‌ی هنری، معرفی ابزار و مواد آن و کاربرد هر کدام از ابزار و کاربرد نهایی آن هنر توضیح می‌دهد.

۲- روش پرسش و پاسخ: در این روش معلم با طرح سؤالات منظم و هدفمند، دانش آموزان را به تفکر و تبیین موضوع هنری دعوت می‌کند.

۳- روش نمایشی: معلم در این روش عملاً نحوه‌ی انجام یک فعالیت هنری را از ابتدا تا پایان به همراه روش استفاده درست از ابزار نمایش داده و سپس از دانش آموزان می‌خواهد تا آنان نیز آن را اجرا نمایند.

۴- ایفای نقش: در این روش معلم از دانش آموز می‌خواهد، خود را یک شخصیت هنری (بازیگر ویا ...) تصور نموده و حرکات و صدا های او را تقلید نماید.

۵- روش پروژه‌ی (واحد کار): همه‌ی دانش آموزان، یک موضوع هنری را کار کرده و اطلاعات آن را گردآوری نمایند.

۶- روش گردش علمی: رفتن به دل طبیعت و دیدن فضاها، اشکال مختلف و تناسب ها و ... و یا بازدید از موزه‌ها، کارگاه‌ها، مشاهده‌ی تئاتر و ...

عوامل مؤثر برای موفقیت معلم و مربی در تدریس هنر:

- (۱) آگاهی از اهمیت و ضرورت هنر
- (۲) توجه به تأثیر مستقیم و غیرمستقیم فعالیت‌های هنری در یادگیری سایر دروس
- (۳) توجه به نقش هنر در تربیت فردی و اجتماعی دانش‌آموزان
- (۴) توانایی در اجرای صحیح تدریس هنر و تربیت هنری
- (۵) جذابیت بخشی در درس هنر
- (۶) توجه به این نکته که خلاقیت کودکان محدوده‌ای نداشته و هر کار جدید، عجیب و غیرقابل تصویری از سوی کودک ممکن است.
- (۷) عدم حل مسائل و انجام تکالیف هنری دانش‌آموز و فقط هدایت‌گری در این زمینه
- (۸) توجه به تفاوت‌های فردی (تفاوت در علایق، سلاقی، استعدادها، آموخته‌های قبلی آنها، نیازها و محدودیت‌ها)
- (۹) استفاده‌ی مطلوب از تکنولوژی‌های آموزشی و به‌کارگیری روش‌های مختلف تدریس (گردش علمی، بازدیدها، مباحثه، طرح سؤال و ...)
- (۱۰) توجه و استفاده از قابلیت‌ها و محاسن فعالیت‌های گروهی
- (۱۱) ایجاد فرصت برای ابراز وجود و ارائه‌ی آثار هنری در کلاس و ...
- (۱۲) ارتباط آموزشی و تجربی با والدین (استفاده از تجارب هنری والدین، تبادل اطلاعات و انتقال نکات لازم آموزشی به والدین)
- (۱۳) درک و دانش هنری در رشته‌ها و زمینه‌های مختلف
- (۱۴) توجه به اصول برنامه‌ی درسی هنر (انعطاف‌پذیری، کودک‌محوری، پرورش خلاقیت، تلفیق رشته‌های هنری، یادگیری مشارکتی)

مبانی هنرهای تجسمی

یکی از گسترده‌ترین و پرتعدادترین هنرها، هنرهای تجسمی است که شامل هنرهایی چون: نقاشی، گرافیک، مجسمه‌سازی و نقش برجسته، خوشنویسی، نگارگری، تصویرسازی و کاریکاتور، کتاب‌آرایی، عکاسی و برخی هنرهای تصویری دیگر می‌باشد

و هر یک از هنرهای مزبور دارای شاخه‌ها و ریزرشته‌هایی کوچک هستند که به صورت تخصصی قابل بحث هستند. هنرهای تجسمی به هنرهایی گفته می‌شود که با چشم قابل رویت باشند و عموماً بر روی ابزارهای تأثیر پذیری چون: کاغذ، پارچه، چوب، استخوان و ... اجرا می‌شوند.

مبانی هنرهای تجسمی به عنوان پایه و اساس آشنایی و یادگیری هنرهای مزبور و همچنین شناخت و افزایش سواد بصری (تجسمی) نقش مهمی دارد. برای درک و شناخت یک اثر هنری، روانشناسی خط و یا تحلیل آثار کودکان لازم است به اختصار با برخی عناصر و عوامل بصری موجود در طبیعت و آثار مزبور آشنا شویم.

چون منبع الهام بیشتر هنرمندان طبیعت می‌باشد و درک طبیعت و واقعیت‌های تجسمی مستلزم بلوغ تجسمی است که معمولاً در سنین نه و ده سالگی آشکار می‌شود بنابراین ذکر این نکته ضروری است که **یادگیری بحث مبانی تجسمی برای کودکان چهارم ابتدایی به بعد پیشنهاد می‌شود** ولی دبیران و اولیاء محترم به تشخیص خود و قابلیت دانش آموز می‌توانند برخی از این نکات را که جذاب هستند به صورت ساده و قابل درک برای دانش آموز توضیح دهند زیرا تفاوت‌های فردی اینجا هم قابل تأمل و تذکر است و امکان این که فردی زودتر و یا دیرتر به این مرحله از درک واقعی اشیاء و طبیعت برسد وجود دارد و باید به آن توجه شود.

دیدن و نگریستن

هنرهای تجسمی که با چشم قابل رویت هستند، «دیدن» و «نگریستن» ضمن این که باهم تفاوت دارند از اهمیت زیادی برخوردار هستند. «در دیدن تنها یک واکنش سرشتی و ساده وجود دارد، لیکن نگریستن، در پی واکنشی ژرف‌تر و عمیق‌تر اتفاق می‌افتد که از باریک‌بینی، تفکر و شناخت (معرفت) منتج می‌شود» (آیت‌اللهی، ۱۳۸۵، ص ۶). بسیاری از درختان، میوه‌ها، اشیاء و ... در نگاه اول و دیدن، شبیه به هم هستند اما با نگاه دقیق و در واقع نگریستن، ویژگی‌ها و تفاوت‌های آن‌ها مشخص می‌شوند. افراد باذوق و هنری کسانی هستند که با دقت، تفکر و حساسیت بیشتری به اشیاء و طبیعت پیرامون خود می‌نگرند. این امر باعث می‌شود که ویژگی‌های ریز و مهم محیط و اشیاء در ذهن آن‌ها ثبت شده و موقع خلق اثر و حتی زندگی روزمره مفید واقع شود.

به عنوان مثالی ساده، کتاب همه‌ی دانش آموزان مانند هم است ولی اگر کتاب یکی از بچه‌ها در کلاس گم شود به راحتی می‌توانند آن را از بقیه کتاب‌ها تمیز داده و پیدا کنند چون در طول زمان که با آن مأنوس بوده و از آن استفاده کرده‌اند هرکس نسبت به جزئیات کتابش شناخت بیشتری پیدا کرده است.

برای مطالعه و درک و یا نوشتن یک متن لازم است الفبای حروف و نحوه‌ی ترکیب کلمه و جمله را بدانیم، برای شناخت و خلق یک اثر هنری نیز لازم است با الفبای آن آشنا شویم که از آن‌ها با عنوان عناصر بصری یاد می‌کنیم. عناصر بصری هر اثر یا فعالیت هنری به لحاظ فرم و یا شکل از اجزایی تشکیل یافته‌اند که لازم است به اختصار به مهم‌ترین آنها که: نقطه، خط، سطح (شکل) حجم (گنج)، هستند، پرداخته و توضیحاتی ارائه شود اما عوامل بصری چون بافت، کنتراست (تیرگی - روشنی)، ریتم (تکرار)، تعادل، توازن و تناسب هم در خلق و شناخت یک اثر هنری دخیل هستند که به صورت تخصصی مطرح می‌شوند.

نقطه

«نقطه» در هندسه و فیزیک، به موجودی خیالی اطلاق می‌شود که نه طول، نه عرض و نه عمق یا بلندا داشته باشد. در ریاضی از محل تلاقی دو خط، نقطه به وجود می‌آید اما در هنرهای تجسمی می‌تواند هر سه ابعاد فیزیکی و هندسی را دارا باشد برای مثال، اثر یک ابزار تأثیر گذار مانند مداد، ماژیک، کچ و ... بر روی ابزارهای تأثیر پذیر مانند کاغذ، پارچه و... می‌تواند نقطه ایجاد نماید. همچنین اگر یک پرنده و هواپیما را از فاصله دور در آسمان ببینیم یک نقطه خواهیم دید. لکه‌ی کوچکی روی دیوار نیز می‌تواند به صورت نقطه دیده شود. نقطه و سایر عناصر بصری که در پی خواهند آمد در اصل می‌توانند به صورت اشکال هندسی و غیر هندسی و ارگانیک باشند ولی از دور به صورت نقطه نمایان شوند. بنابراین نقطه می‌تواند بزرگ یا کوچک، پایدار یا ناپایدار، منظم یا نامنظم باشد، مانند: خال‌های بال پروانه، قطره‌های باران، دانه‌های شن، ستاره‌ها، لکه‌های روی بدن پلنگ و بسیاری از نقطه‌هایی که در طبیعت و محیط ما وجود دارند.

انواع نقطه در خوشنویسی ایرانی - اسلامی نیز وجود دارد که اشکال متنوعی دارند و از آنها به عنوان نقطه یاد می‌شود. نقطه در نوشته به تنهایی معنایی ندارد ولی در ترکیب با حروف دارای معنا و ارزش می‌شود و حرف و کلمات را نیز مفهوم دار و گویا می‌کند و نقطه و حرف، لازم و ملزوم یکدیگر می‌شوند.

فعالیت: توصیه می‌شود بعد از مطرح شدن مباحث شناخت هر یک از عناصر (نقطه، خط) توسط معلم، برای تفکر و مشارکت دانش‌آموزان از آنها کمک بگیریم و مثال‌هایی ارائه و نمونه‌های دیگری کشف کنند تا کلاسی جذاب و تدریسی موفق داشته باشیم. در صورت امکان و برای تثبیت یادگیری لازم است یافته‌ها و تفکرات دانش‌آموزان با استفاده از ابزارهای مختلف و در دسترس اجرا شوند. اجرای مبانی و یا هر فعالیت هنری و کلاسی می‌تواند به صورت انفرادی یا گروهی باشد ولی باید در نظر داشت که کارهای گروهی برای تقویت روحیه هم‌بستگی و همکاری، فعالیت‌های اجتماعی و ارتباطی کودک در آینده و حال تأثیرات مثبتی را به دنبال خواهد داشت. ذکر این نکته ضروری است که **فعالیت‌های گروهی** در درس هنر برای پایه‌های سوم ابتدایی به بعد توصیه می‌شود (تصویر -۱- طراحی اسب با استفاده از نقطه‌ها).

خط

در فرهنگ فارسی معین «اثر و نشانه‌ی قلم بر کاغذ و غیره» را «خط» معنی کرده‌اند. اگر دو نقطه را به هم وصل کنیم در ریاضی به آن خط اطلاق می‌شود اما در هنرهای تجسمی معانی و نمود زیادی دارد به عنوان مثال اگر اشیاء طبیعی و غیر طبیعی را که دارای درازا باشند از فاصله دور تماشا کنیم، به صورت یک خط دیده می‌شوند. همچنین شکاف یک دیوار و یا محل تلاقی و قرارگیری دو سطح همجوار نیز به صورت خط دیده می‌شوند. این در صورتی است که خطی روی دیوار و ... کشیده نشده است و به صورت تجسمی و به کمک نور و سایه قابل رویت است. همچنین می‌توان گفت که خط، در اثر نیرویی که به یک نقطه وارد می‌شود، ایجاد می‌شود. تعاریف و مثال‌های زیادی می‌توان مطرح کرد و این گونه نیز می‌توان گفت که خط، از نقطه‌های به هم پیوسته تشکیل شده است.

در طبیعت، سیم‌های برق، باریکه راه‌ها، جاده‌ها، رودها، مرز کوه و آسمان، رعد و برق، ساقه‌ی نی، ترک‌های خاک در کویر، تنه‌ی درخت، خط افق در دریا، شن‌های بیابان، رگه‌های سنگ‌های رسوبی، خطوط روی بدن گورخر، ریزش آب، رگبارها، تنه‌ی انبوه درختان، شیارهای روی برگ درختان و گل‌ها و بسیاری از چیزها به صورت خط دیده می‌شوند. البته لازم به توضیح است که ارائه‌ی همه‌ی نمونه‌های ذکرشده به هنجار و کودک ضروری نیست چرا که بهتر است کودک، با اندیشیدن و اندکی تأمل در طبیعت و محیط پیرامون بتواند نمونه‌ها و مثال‌هایی پیدا کند تا با تشویق مربی خود را کاشف و خلاق بشناسد.

به لحاظ حالت، خطوط در طبیعت و آثار هنری می‌تواند به صورت‌های مختلفی باشند که هریک معانی و تفاسیری خاص دارند. خط راست می‌تواند به صورت افقی یا کشیده، قائم یا ایستاده و مورب یا قطری باشد که خصوصیات روانی و شخصیتی آن‌ها به اختصار توضیح داده می‌شوند.

خط عمودی: حالت تذکیر و مردانگی را دارد و با رنگ گرم هماهنگی دارد. این خط حداکثر استقامت و ایستادگی را دارد. همان اندازه که خط افقی متواضع و فروتن است، خط قائم و عمود از غرور و خودپسندی سرشار است. حرکت خط عمود از پایین به بالا، صعود به سوی آسمان، سبک شدن و پرواز است همچنین از دید روحانی و معنوی، این خط تمایل به آسمان و حرکت به سوی پروردگار است و نمونه‌ی بارز آن را در «الف»‌های بلند کتیبه‌های خوشنویسی مساجد می‌توان مشاهده کرد که روبه لایتنایی و آسمان دارند.

خط افقی: سرد و آرام و در عین حال آرام‌بخش است. افقی حالت استراحت و سکون است و حالت مرگ را نیز تداعی می‌کند. خط افقی حالت زنانگی را هم در خود داراست. در ترکیب‌های پویا و در مقابل خطوط دیگر، خطی محزون و غمگین، خموش، آرام و بی‌تحرك است. همچنین یادآور افق آبی دوردست دریاها می‌باشد (آیت‌اللهی، ۱۳۸۵، ص ۶۶).

خط مورب یا اریب: این خط نه کشیده است و نه ایستاده، نه سرد و نه گرم. به عبارت دیگر امکانات جنبشهای سرد و گرم در آن برابر است. نزول آن به سوی افقی، آن را سرد و کشش آن به سوی قائمی گرمش می‌کند. در ارتباط با عواطف و احساسات بشری، از شادی و هیجان و اندوه و گرفتگی در آن به نسبت مساوی وجود دارد و نسبت تمایل خط مورب به عمودی و افقی بودن خصوصیت آن را بیشتر مشخص تر می‌کند.

خط شکسته: اگر خط راست در مسیر حرکت خود منحرف شده و به طرفی دیگر حرکت کند به آن خط شکسته می‌گویند. خط شکسته، حداقل یک شکستگی دارد و ممکن است تعداد آن زیاد و در زاویه‌های گوناگون باشد.

خط منحنی یا خمیده: هر وقت دو نیروی بیرونی به طور مساوی و متقارن، باهم و در دوسوی مختلف خط، بر نقطه‌ی متحرک اثر گذارند و از نیروی خود نکاهند، نقطه در مسیری خمیده به حرکت در می‌آید و خط خمیده ایجاد می‌شود (آیت‌اللهی، ۱۳۸۵، ص ۸۰). خط خمیده اگر بسته شوند دایره و بیضی تشکیل شده، یعنی به شکل تبدیل می‌شوند. خطوط منحنی خصوصیتی نرم و مهربان دارند و سرشار از احساس و عواطف مثبت می‌باشند.

آنچه مسلم است، طبیعت، منبع الهام و یادگیری انسان‌ها برای خلق آثار هنری و اختراعات بوده و خواهد بود. تنوع شکل و رنگ گل‌ها، درختان، حیوانات و جانداران، سنگ‌ها و غیره و غیره در ذهن و تصورات ما امری طبیعی است. اگر این تنوع فرم و رنگ در طبیعت وجود نداشت به احتمال زیاد امور زندگی را خیلی خسته‌کننده و تکراری می‌نمود و حالتی کسل‌کننده و بی‌روح در

امورات ما حاکم بود بنابراین در فعالیت‌ها و کارهای روزمره از طبیعت و تنوع آن به صورت ناخودآگاه و گاه غریزی الهام گرفته و به کار می‌بندیم. در طبیعت، انواع خط علاوه بر تنوع حالت به لحاظ کیفیت نیز متفاوت است و می‌تواند به صورت‌های مختلف در آثار هنری و فعالیت‌های کودکان مورد استفاده قرار گیرد. تفاوت و گوناگونی کیفیت و حالت خطوط باعث تنوع، زیبایی و جذابیت بیشتر آثار تجسمی می‌شود. در یک ترکیب هنری، انواع گوناگون خطوط می‌توانند در جهت رسیدن به کمال مطلوب و تکامل مفهوم و اندیشه مورد استفاده قرار گیرند. خطوط از نظر کیفیت می‌توانند به صورت: ضخیم، نازک، زیگزاگ، شکسته، حلزونی و مارپیچ، بریده بریده و ... باشند.

فعالیت: از دانش آموز سوال پرسیده شود تا ذهن او درگیر مسأله شده و بیاندیشد و مباحث جدیدی را کشف کند سپس مثال‌ها و نمونه‌های بیشتر برای عنصر خط، با همکاری و هم‌فکری سایر دانش‌آموزان یا هنرجویان یافته شود. همچنین در صورت امکان برخی از نمونه‌های یافته شده به صورت گروهی یا انفرادی تمرین و اجرا شوند. البته به عنوان فعالیت دیگر، می‌توان با استفاده از خطوط و نقطه‌ها و یا ترکیب آن دو، شکل‌های جدیدی نیز ایجاد کرد.

سطح یا شکل

همه‌ی شکل‌ها به دو گونه‌ی هندسی و غیر هندسی (ارگانیک، طبیعی یا طبیعت‌گرا) تقسیم می‌شوند. اشکال هندسی مانند: مربع یا چهار گوش، مربع مستطیل، مثلث یا سه گوش، لوزی، دایره، بیضی و ... هستند که همه‌ی آن‌ها از ترکیب دوشکل مادر (مثلث و دایره) به وجود آمده‌اند. شکل‌ها می‌توانند از ترکیب چندخط و یا چندین نقطه به وجود آیند یا از مرز تاریکی و روشنی و یا از مرز چند رنگ متفاوت ایجاد گردند. موج دریا، کندو، برگ درختان و ... را می‌توان شکل به حساب آورد. شکل‌ها می‌توانند به صورت منظم و یا نامنظم باشند.

حجم

به چیزهایی که دارای سه بعد: طول، عرض و ارتفاع یا عمق باشند حجم گفته می‌شود. معمولاً همه‌ی اشیاء مادی در طبیعت دارای حجم هستند. این حجم‌ها گاهی به‌طور طبیعی به صورت نسبتاً منظمی دیده می‌شوند مانند حجم برخی از درخت‌ها، میوه‌ها، تخم پرندگان و جانوران، اما بیشتر اوقات به شکل غیر منظم جلوه می‌کنند مانند حجم صخره‌ها، گیاهان، حیوانات و بسیاری چیزهای دیگر. همان‌طور که دایره، مثلث و مربع به عنوان اشکال اصلی و پایه برای سطح نام برده شدند، کره، مکعب و حرم را نیز می‌توان به عنوان اجسام هندسی پایه، نام برد. این سه حجم به‌طور منظم، به‌ندرت در طبیعت دیده می‌شوند اما به‌طور کلی همه‌ی حجم‌های طبیعت از ترکیب یا تغییر این سه حجم پایه و هندسی به وجود می‌آیند (حسینی راد، ۱۳۸۲، ۳۹) حجم می‌تواند واقعی یا مجازی و تصویری باشد همچنین می‌تواند توخالی یا توپر باشد. حجم عنصر اصلی کار مجسمه‌سازان است. «در نقاشی و طراحی، حجم با ترفند برجسته‌نمایی و به‌وسیله‌ی سایه - روشن و رنگ و یا با تغییر شکل و اندازه‌ی اشکال در اثر عمق‌نمایی خطی القاء می‌شود» (همان، ص ۴۲).

بافت

هر شکل یا هر شیء طبیعی و غیر طبیعی دارای ظاهر خاصی است که به آن بافت می‌گویند. درک بافت اشکال به دو صورت بصری (تجسمی) و حس لمسی امکان‌پذیر است. در واقع برخی از بافت‌ها با لمس کردن درک می‌شوند که گاه از آن به عنوان بافت طبیعی یاد می‌شود. برخی بافت‌ها نیز فقط با دیدن درک و احساس می‌شوند که به آن‌ها بافت ترسیمی و تصویری می‌گویند. بافت‌های تصویری در آثاری مانند عکاسی، نقاشی، آثار حجمی و ... قابل مشاهده هستند. بافت‌های ترسیمی به روش‌های گوناگون و برای ایجاد تأثیرات بصری خاص به وجود می‌آیند که در آثار گرافیکی - تبلیغاتی، نقاشی انتزاعی و آثار حجمی نوین مورد استفاده هستند و عموماً با استفاده از تکرار و تراکم خطوط، نقطه‌ها، لکه‌ها و سایر عناصر به وجود می‌آیند. برای ایجاد بافت - های ترسیمی و تجسمی، بی‌نهایت روش وجود دارد که تعدادی از آن‌ها در بخش فعالیت نقاشی ارائه خواهند شد.

رنگ شناسی

امروزه رنگ و رنگ شناسی به عنوان یک علم در سطح جهان مطرح است. در عصر حاضر رنگ در علوم مختلف و از زوایای متفاوتی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. «احساسی را که «رنگ» در انسان برمی‌انگیزاند، نمی‌توان با قلم تشریح کرد و بیان نمود» (آیت اللهی، ۱۳۸۵). تأثیر رنگ در زندگی انسان به قدری است که حتی تصور زندگی بدون رنگ ناممکن است. رنگ پدیده و موهبت شگفت انگیز و شکوهمند هستی است و به زندگی انسان احساس و اشتیاق می‌بخشد. دنیای رنگ و رنگ شناسی دنیای بسیار وسیع و گسترده‌ای است که در اکثر هنرهای سنتی، صنایع دستی، هنرهای کاربردی، معماری و هنرهای مدرن امروزی کاربرد اساسی داشته و دارای اهمیت است. با توجه به این گستردگی، نقش، تأثیر و کاربرد رنگ در زندگی افراد را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت. امروزه روانشناسان و متخصصان جهت تشخیص مشکلات رفتاری کودکان و حتی بزرگسالان و همچنین رفع و درمان آن از خصوصیات روان‌شناختی رنگ‌ها استفاده‌ی مفیدی به عمل می‌آورند. در خصوص اهمیت رنگ در کلام وحی و همچنین احادیث و نوشته‌های زیادی از ائمه اطهار (ع) و بزرگان به جای مانده است. بهترین رنگ‌ها در سوره مبارکه‌ی بقره، این گونه معرفی شده است: «بهترین رنگها رنگ خدایی است و ما برای او بنده ایم» (قرآن کریم، بقره، ۱۳۸).

علم روان‌شناسی امروزه ثابت کرده است که هر کدام از رنگ‌ها نشانه یا درمان هستند و می‌توانند در ایجاد جاذبه و دافعه، توازن و تعادل بین ذرات عالم موثر باشند. حتی گاهی همین رنگ‌ها رازدل خلاق را رو می‌کنند، به گونه‌ای که علاقه‌ی هر شخص به رنگی خاص حکایت از شخصیت درونی و ذوق و دل‌بستگی او دارد.

رنگ‌های اصلی و فرعی

سه رنگ زرد، قرمز و آبی را به عنوان رنگ‌های اصلی می‌توان معرفی کرد چون این رنگ‌ها از ترکیب هیچ رنگی به دست نمی‌آیند. رنگ‌های اصلی را اصطلاحاً رنگ‌های اولیه می‌نامند. حدها فصل بین هر دو رنگ اصلی را رنگ ثانویه یا فرعی می‌گویند. با این فرمول که ترکیب دو رنگ اصلی مساوی است با: (زرد + قرمز = نارنجی) (زرد + آبی = سبز) (آبی + قرمز = بنفش).

در فیزیک رنگ: نور سفید خورشید، منشأ تمامی رنگ‌های موجود در طبیعت است که از تجزیه‌ی آن، هفت رنگ ایجاد می‌شود که مجموع آنها را طیف خورشید می‌نامند. رنگ‌های طیف به ترتیب عبارتند از:

قرمز، نارنجی، زرد، سبز، آبی، نیلی و بنفش که ترکیب آنها با یکدیگر به طور متعادل نور سفید ایجاد می‌شود. هیچ چیز در جهان ذاتاً رنگی نیست بلکه نور باعث ایجاد رنگ در اشیاء است. به این ترتیب که وقتی نور به جسم می‌تابد، جسم متناسب با ویژگی‌های خود ضمن جذب تمام رنگ‌های طیف، یک رنگ را منعکس می‌کند و ما جسم را با آن رنگ شناسایی و رویت می‌کنیم. به‌طور مثال: همه‌ی رنگ‌های طیف نور سفید، پس از تابیدن به گل سرخ، جذب می‌شوند به‌جز رنگ قرمز که به سوی چشم ما منعکس می‌شود.

رنگ قرمز دارای بلندترین طول موج یعنی حدود ۷۰۰ متر و بنفش دارای کوتاه‌ترین طول موج با حدود ۴۰۰ متر است.

زرد روشن‌ترین و بنفش، تیره‌ترین رنگ دایره‌ی رنگی به‌شمار می‌روند (تصویر ۲- چرخه‌ی رنگ).

رنگ‌های سرد و گرم

رنگ‌هایی که در ناحیه‌ی آبی طیف قرار دارند، **رنگ‌های سرد** نامیده می‌شوند و شامل آبی، ارغوانی و سبز هستند. رنگ‌های سبز و آبی وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند سردترین رنگ‌ها را نمایش می‌دهند. این رنگ‌ها معمولاً آرامش بخش‌اند اما گاهی نیز ممکن است احساس غمگینی و بی‌تفاوتی را به ذهن آورند.

رنگ‌های قرمز، زرد و نارنجی وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند بالاترین درجه‌ی گرما را نمایش می‌دهند و از آن‌ها به عنوان **رنگ‌های گرم** یاد می‌شود.

رنگ‌های سبز و بنفش را در اصطلاح رنگ‌های ولرم (نه سرد و نه گرم) می‌گویند اما اگر همین رنگ‌ها به رنگ سرد تمایل داشته باشند (درصد سرد رنگ آن‌ها بیشتر باشد) رنگ سرد محسوب می‌شوند مانند سبز فیروزه‌ای و برعکس بنفش ارغوانی به رنگ گرم قرمز متمایل است.

رنگ‌های مکمل یا متضاد

برخی رنگ‌ها در کنار هم، باعث درخشندگی و برجستگی هم می‌شوند و همدیگر را کامل می‌کنند بنابراین به آن‌ها رنگ‌های مکمل می‌گویند و چون ضد هم هستند از آن‌ها با عنوان رنگ‌های متضاد نیز یاد می‌شود. هریک از رنگ‌های اصلی و فرعی برای خود یک رنگ مکمل یا متضاد دارند. به عنوان نمونه، مکمل رنگ‌های: (آبی = نارنجی) و (قرمز = سبز) و (زرد = بنفش) است. نمونه‌های بیشتر را می‌توان در دایره‌ی رنگ مشاهده کرد که رنگ‌های مکمل یا متضاد در مقابل هم قرار گرفته‌اند (تصویر ۲- چرخه‌ی رنگ).

رنگ‌ها از نظر ماهیت به دو دسته تقسیم می‌شوند:

رنگ‌های کروماتیک:

به رنگ‌های قرمز - آبی - زرد و ترکیبات آنها گفته می‌شود.

رنگهای آکروماتیک:

شامل سیاه و سفید و همچنین خاکستری که حاصل از ترکیب آنها است. این رنگ‌ها در واقع رنگ نیستند بلکه بیرنگ هستند و آوردن رنگ در ابتدای نام آنها حالت مصطلح دارد.

ویژگی و تأثیر روانی رنگ‌ها

طبق تحقیقات جامعه‌شناسی، رنگ‌ها نه تنها افراد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند، بلکه منجر به پیشرفت و یا رکود یک جامعه می‌شوند (علی اکبر زاده، ص ۱۹). با انتخاب ناصحیح رنگ در مکان خود و به کارگیری نادرست آن در محیط‌های انسانی صدمات روحی شدیدی بر انسان وارد خواهد آمد (همان، ص ۲۶). «اصلاح املاء دانش آموز با خط قرمز توسط معلم»، «چراغ قرمز هشدار دهنده برای رانندگان»، «سفید بودن پاکت شیر»، «رنگ آبی یا سبز روشن دیوارهای کلاس درس یا کتابخانه برای مطالعه‌ی بهتر» و «استفاده از پوشش سفید در عالم پزشکی و سبز برای بیماران» همه و همه، مؤید این مطلب است که یک ارتباط تنگاتنگ بین نظام خلقت انسان و طبیعت وجود دارد. ولی در دنیایی ورای این طبیعت، «حقیقت» چیز دیگری است.

افزودن رنگ سفید به رنگ دیگر باعث می‌شود شاد و جذاب به نظر آید و افزودن سیاه برعکس، غم‌آفرین و اندوهگین کننده است. کودکان که از جهان اندوه و غم آگاهی چندانی ندارند همیشه به رنگ‌های زنده جذب می‌شوند و به رنگ‌هایی دل می‌بندند که با سفید آمیخته شده‌اند و در این میان، سرخ و نارنجی آمیخته با سفید را بیشتر دوست دارند.

آبی

رنگ آبی، نماد عرفان و روشن فکری، روح، درون، شکیبایی، فضای بیکران، فروتنی، تحمل و معنویت است.

رنگ‌شناسان معتقدند: رنگ آبی تیره (رنگ شب)، ساختار آرامش و سکوت کامل دارد و تأثیر آرام بخشی در سیستم اعصاب بر جای می‌گذارد و فشار خون، نبض و تنفس را می‌کاهد و در عین حال، باعث تجدید قوای بدن می‌شود. همان‌طور که قبلاً ذکر شد آیات قرآن، زیبایی را، هم در زمین و هم در آسمان‌ها مطرح نموده و دستور به نظاره در آنها را صادر کرده است. گفته شده - است که پیامبر (ص) زیاد به آسمان نگاه می‌کردند. طبق بررسی ضمنی که نگارنده داشته، هنرمندان نیز علاقه‌ی زیادی به آسمان دارند.

امام صادق (ع) فرموده‌اند: در رنگ آسمان خوب فکر کن؛ که موافق‌ترین رنگ‌هاست برای تقویت دیده و نور چشم، تا آنجا که اطباء می‌گویند: اگر کسی ضعف بینایی داشته باشد باید مرتب و پیوسته در تغار کبود رنگی نگاه کند که پر از آب است (بحارالانوار: ج ۳ ص ۱۱۱؛ آیین بهزیستی اسلام: ج ۲ ص ۸۳).

آبی، رنگ مورد علاقه‌ی بسیاری از مردم و محبوبترین رنگ در بین مردان است. رنگ آبی، احساس آرامش را به ذهن می‌آورد و معمولاً نشان‌گر صلح، امنیت و نظم است. رنگ آبی، می‌تواند احساس غم، درون‌گرایی یا گوشه‌گیری را در بعضی افراد به وجود آورد. رنگ آبی می‌تواند باعث کاهش ضربان قلب و حرارت بدن گردد.

قرمز

سمبول گرانش‌های زمینی و دنیوی، عشق، خون، شهادت، پایداری، خشم، غرور، خودخواهی، خطر، جنگ‌جویی، شورش و هم-رنگ سیاره‌ی مریخ (سیاره‌ی سرخ و معروف به خدای جنگ) است. رنگ قرمز، رنگ گرمی است که برانگیزاننده‌ی هیجانات قوی است. رنگ قرمز، نشانگر عشق، حرارت و صمیمیت است. رنگ قرمز، به وجود آورنده احساس شور و هیجان است.

در حالت منفی، رنگ قرمز، مفهوم خشم و عصبانیت را می‌رساند. در چین قرمز رنگ خوشبختی و شادمانی می‌باشد. عروس‌ها در شرق، قرمز می‌پوشند. در حالی که رنگ قرمز در آفریقای جنوبی رنگ سوگواری و عزا است. در روسیه بلشوویک‌ها از پرچم قرمز، زمانی که تزار، روس را سرنگون کردند، استفاده نمودند. بنابراین قرمز، مرتبط با کمونیسم می‌باشد. در بسیاری از پرچم‌ها از رنگ قرمز استفاده شده است. قرمز رنگ سه شنبه نیز می‌باشد. قرمز گلی سمبل عشق آتشین است. حلقه‌های یاقوتی در دست چپ انداخته می‌شوند و نیز این رنگ نشان دهنده‌ی خطر و آتش سوزی می‌باشد.

رنگ‌های روشن، شادی آفرین و رنگ‌های تیره غم‌انگیز هستند. رنگ قرمز، تقویت‌کننده و محرک است. برای مثال، پزشکان قرون وسطی، نور قرمز را در معالجه‌ی آبله و سرخک و مخملک و بسیاری از بیماریهای پوستی به کار می‌بستند. آزمایشاتی که بر روی افراد متفاوت انجام داده‌اند و آنها را وادار به تفکر به رنگ قرمز سیر کرده‌اند، نشان داده است این رنگ، سیستم عصبی را تحریک می‌کند؛ یعنی فشار خون را بالا می‌برد و تنفس و ضربان قلب را سریع‌تر می‌کند. لذا رنگ قرمز از لحاظ تأثیری که بر سیستم اعصاب دارد یک عامل محرک به‌شمار می‌آید و معنای فیزیولوژیک آن، داشتن آرزوهای بسیار، شور و شوق زندگی و تهور و قدرت اراده است (پهلوان، ص ۲۱). در نقاشی‌های غربی برای نشان دادن قدرت و بزرگی، برای رنگ لباس پادشاه از قرمز استفاده کرده‌اند.

قرمز، اشتهاآور است و مناسب استفاده در رنگ وسایل آشپزخانه و بسته‌بندی‌های مواد غذایی. روستائیان نیز به اینگونه رنگ‌ها تمایل بیشتری دارند. به طور مثال قرمز رنگ مناسبی برای سرعت بخشیدن به جذب مشتریان یک رستوران است.

زرد

در روانشناسی رنگ‌ها رنگ زرد، نشاط‌آور و چشم‌گیر عنوان شده است و اثر آن به صورت روشنی و شادمانی و درخشانی ظاهر می‌شود. رنگ‌ها در بسترهای مختلف معانی متفاوتی دارند. در بیمارستان‌های روانی بیماران تندخو را تحت تأثیر مداوم رنگ آبی و بیماران منزوی و بی‌تحرك را با رنگ زرد مداوم می‌کنند، که این رنگ یک نوع حالت محرک ذهنی و هوشی نیز دارد و شدیداً

موجب تقویت چشم است. خداوند این رنگ را برای تسکین و آرامش ناراحتی‌ها و خستگی‌ها آفریده است. از این روست که پزشکان آن را برای اتاق بیماران تب دار تجویز می‌کنند (برگزیده از فصلنامه پژوهشی دانشور: ش ۲۱؛ رنگ و تربیت: ص ۶۴).

زرد، مظهر علم و خرد، اندیشه، آخرت، فهم و دانایی، نور و روشنی، هوشیاری و کوشیاری، کار و حرکت، پادشاهی و سلطنت، خورشید، مهربانی و مهمان نوازی است. زرد مظهر روشنی، نور، نشاط و شادابی است. در دنیای کودکان، رنگ زرد مطلوب‌ترین رنگ‌هاست. زرد نمایان‌گر فرح بخشی، درخشش و شادمانی است و عنصر عاطفی آن، زنده دلی، امیدواری و تسکین و انبساط خاطر است و علیه افسردگی و خستگی و اضطراب به کار می‌رود. رنگ زرد از جمله رنگ‌های مقبولی است که بهجت انگیزی عرفانی دارد. رنگ زرد رنگی است که بیش‌ترین شباهت را با خورشید داراست. با حضورش امیدواری همراه با حسی که همه چیز به خیر و خوشی سپری می‌شود بر ما مستولی می‌گردد.

رنگ زرد، بسیاری از حشرات را دور می‌کند و حال آن‌که اکثر گل‌ها به جهت وجود رنگ‌های مشتق از قرمز، جاذب زنبور عسل - اند.

سیاه

سیاه جزو رنگ‌های خنثی است و در ترکیب با هر رنگی آن را خنثی و بی‌روح می‌کند. پوشیدن لباس سیاه مورد تأیید اسلام و روان‌شناسان نیست. در مورد مذمت رنگ سیاه روایات معتبری از آن جمله فرمایش امام صادق (ع) است: رسول خدا در پوشیدن چیزی به رنگ سیاه اکراه داشت، مگر در سه چیز: عمامه، کفش و عبا (سنن النبی، ص ۱۳۱، ۱۳۰).

ترکیب خاکستری، سیاه و سفید و رنگ مکمل با رنگ خالص، باعث کاهش خلوص رنگ می‌گردد. اصطلاحاً به حالت ناخالصی در رنگ‌ها، لفظ چرک اطلاق می‌گردد. رنگ‌های چرک در مقایسه با رنگ اشباع شده یا ناخالص درخشش و وضوح بسیار کم‌تری دارند. رنگ‌های اشباع شده بسیار ساده و جذاب‌اند. این نوع رنگ‌ها بیشتر مورد توجه کودکان قرار می‌گیرند و نیز در هنرهای بومی اقوام مختلف دیده می‌شود. سیاه، نماد جهل، فنا، نا آشنایی، ابهام، تاریکی، نیستی، مرگ، سکون، نادانی، ظلمت، پیچیدگی و محبوس بودن است.

سفید

مظهر برف، روز و روشنی، تابناکی، پاکی و بهداشت، صبر، صداقت، معنویت، پرهیزکاری، حرکت و تقوا است. رنگ سفید معمولاً نشان‌گر سرما، پاکیزگی و آرامش است. بیمارستان‌ها و کادر پزشکی از رنگ سفید برای ایجاد حس پاکیزگی استفاده می‌کنند. در معماری داخلی، اتاقی که کاملاً به رنگ سفید نقاشی شده باشد ممکن است جادار و بزرگ به نظر آید اما خالی و سرد است.

سبز

حضرت علی (ع) نگاه به سبزه و چمن را دعا و تعویذی برای درمان بیماری‌ها دانسته‌اند. رنگ سبز، آرامش‌دهنده و استراحت‌دهنده است، و شهرنشینان به خاطر مشغله‌ی زیاد و شلوغی محل زندگی، معمولاً رنگ‌هایی مثل آبی و سبز را بیشتر می‌پسندند.

امروزه دانشمندان رنگ سبز را برای درمان بیماریهای عصبی و اختلالات روانی بکار می برند و آن را خنک کننده، تعدیل کننده ی نور خورشید و مُسکن توصیف کرده اند. رنگ سبز در سیستم عصبی، برای بی خوابیها و خستگی ها موثر است. فشار خون را کم می کند و مویرگ ها را منبسط می سازد. (دایره المعارف تشیع، ج ۹ ص ۵۸).

رنگ سبز رنگ آرامش بخشی برای آرام کردن شاگردان پرانرژی یک مدرسه است. به طور مرسوم از رنگ سبز برای دیوارهای مدارس استفاده می شود که به مراتب بهتر از رنگ های گرم و درخشان است زیرا میزان توجه دانش آموزان را افزایش می دهد.

رنگ سبز، رنگ سردی است که نماد طبیعت، امنیت، امیدواری، رشد، جوانه زدن، تولد و زندگی، رستخیز، آرامش، بهار و خوش قلبی است. رنگ سبز باعث کاهش استرس می شود. کسانی که در فضای کاری سبز رنگ کار می کنند، کم تر دچار دردهای دستگاه گوارش می شوند.

رنگ سبز، نشان گر آرامش، خوشبختی و سلامتی است. پژوهش گران دریافته اند که رنگ سبز می تواند باعث افزایش قابلیت خواندن گردد. برخی از دانش آموزان و دانش جویان با قراردادن یک برگه ی شفاف سبز رنگ بر روی صفحه ی کتاب، می توانند مطالب را با سرعت بیشتری از حد معمول بخوانند و درک کنند.

نارنجی

رنگ نارنجی، ترکیب زرد و قرمز بوده و از رنگ های گرم است و به عنوان یک رنگ انرژی زا در نظر گرفته می شود. رنگ نارنجی، احساس هیجان، گرما و شور و شوق را به ذهن می آورد. رنگ نارنجی، معمولاً برای جلب توجه مورد استفاده قرار می گیرد.

رنگ نارنجی روشن در مقاصد فراوانی مانند جلیقه های نجات، لوازم شکار و شب نماهای دوچرخه ها استفاده می شود. این رنگ اجازه می دهد که مردم به سرعت آن را ببینند. نارنجی نماد جوانی و شادابی، گرما، فعالیت، بلوغ، غرور، نشاط و خودنمایی است.

بنفش

بنفش، از ترکیب قرمز و آبی به دست می آید. رنگ بنفش، برابر تعادل، رنگ ابهام، مرموز، ولرم، خیال انگیز، تنهایی، ترس زیاد و اسرار آمیز است. رنگ ارغوانی نماد وفاداری و ثروت است. رنگ ارغوانی که نوعی بنفش به حساب می آید نشانگر عقل و معنویت است و چون خیلی کم در طبیعت وجود دارد و به همین دلیل ممکن است به عنوان نشانه ی مصنوعی یا غیر عادی بودن در نظر گرفته شود.

قهوه‌ای

رنگ قهوه‌ای، رنگی طبیعی است که برانگیزاننده حس قدرت و اطمینان‌پذیری است. رنگ قهوه‌ای همچنین می‌تواند حس غم و انزوا را به وجود آورد. رنگ قهوه‌ای، هنگامی که متمایل به قرمز است حس گرما، محبت، آسایش و امنیت را به ذهن می‌آورد. رنگ قهوه‌ای معمولاً بیانگر طبیعی بودن، زمینی بودن و متفاوت بودن است اما گاهی می‌تواند نشانگر پیچیدگی نیز باشد.

صورتی

رنگ صورتی، ترکیب سفید و قرمز بوده، در واقع همان رنگ قرمز کم‌رنگ است و معمولاً نشان‌گر عشق است. رنگ صورتی اثر آرام‌بخشی دارد. در ورزشگاه‌ها معمولاً رختکن تیم حریف را به رنگ صورتی نقاشی می‌کنند تا بازیکنان آن‌ها کم‌انرژی و منفعل شوند. از رنگ صورتی بیشتر برای بسته‌بندی لوازم بهداشتی استفاده می‌شود. با وجودی که اثر آرام‌بخشی رنگ صورتی مشخص شده است ولی پژوهشگران دریافته‌اند که این اثر تنها در خلال مواجهه اولیه به وجود می‌آید. مثلاً هنگامی که از این رنگ در زندان‌ها استفاده شد، زندانیان پس از عادت کردن به آن، حتی نا آرام‌تر از قبل شدند.

کودک و روان شناسی رنگ

لازم به ذکر است که از دو جنبه می‌توان این موضوع را مورد بررسی قرار داد: اول در رابطه با شناخت شخصیت و خصوصیات روانی کودک، بر مبنای رنگ‌های استفاده شده توسط او در نقاشی و دوم در رابطه با نقش رنگ در دنیای کودکان و انتخاب نوع رنگ در محیط، لباس و ... ، جهت پرورش بهتر کودک.

رابطه‌ی شخصیت کودک و رنگ‌های مورد استفاده‌ی او در نقاشی

به‌طور کلی رنگ‌ها دارای معنایی روان‌شناختی هستند و بی‌دلیل نیست که یک رنگ می‌تواند دارای جاذبه یا دافعه باشد. تجربه‌هایی که در آزمایشگاه انجام شده‌اند، امکان تعیین رابطه بین پاره‌ای از رنگ‌ها و انعکاس آن‌ها را بر سطح روانی _ فیزیولوژیک فراهم کرده‌اند و نشان داده‌اند که قرار دادن آزمودنی‌ها در محوطه‌ای به رنگ قرمز تند، موجب تسریع ضربان قلب و تنفس و افزایش فشار خون می‌شود. به عبارت دیگر، رنگ قرمز دارای تاثیر برانگیزاننده بر سیستم عصبی است. بالعکس، انجام همین آزمایش با رنگ آبی به تقلیل تنش و کند شدن ضربان قلب و تنفس می‌انجامد چنان‌که قبلاً نیز ذکر شد، آبی، دارای اثر آرام‌بخشی است.

به‌طور کلی هررنگ دارای یک محتوای عاطفی و هیجانی است. که در این جا خصوصیات چندین رنگ بیان می‌شود:

رنگ قرمز به معنای عمل و مردانگی است، که از یک سو مبین نیرومندی امیال و از سوی دیگر، خشم و پرخاش گری را نشان می‌دهد. قبل از ۶ سالگی، کودک از این رنگ بیشتر استفاده می‌کند. افراط در بکار بستن رنگ قرمز به معنای نیاز به حرکت و وجود یک زمینه تحریک پذیر است.

رنگ آبی معرف حساسیت، دریافت پذیری و هیجان خواهی است و رنگی زنانه است که صلح و آرامش و سکون و در حد افراطی، فعل پذیری و تسلیم را نشان می‌دهد.

رنگ بنفش، که ترکیبی از آبی و قرمز است، معرف جمع اضداد است. استفاده‌ی افراطی از این رنگ می‌تواند نشانه‌ی اضطراب و وجود تنش‌های متناقض باشد.

رنگ زرد، معادل نور، شادی و خوش بینی است و به منزله‌ی درخشش و گشایش محسوب می‌شود و میل به مشارکت یا گرایش عمیق به پیشرفت را متجلی می‌سازد. معمولاً کودکان ۸-۹ ساله از این رنگ بیشتر استفاده می‌کنند. به کار بستن افراطی این رنگ می‌تواند به معنای نیاز به آزاد سازی تنش‌های درونی باشد.

رنگ سبز نشانه‌ی نیاز به جلب توجه و میل به محبت است. از یک سو گرایش به مبادله و ارتباط را نشان می‌دهد و از سوی دیگر معرف اراده در سطح عمل، پایداری و سرسختی است.

رنگ پرتقالی که ترکیبی از قرمز و زرد است، میل به موفقیت، شادی، نشاط و پویایی است. رنگ صورتی مبین صلح، تعادل و توازن است و ملایمت و عطف را نشان می‌دهد.

سیاه به منزله‌ی نفی رنگ محسوب می‌شود و استفاده‌ی مفرط از آن مبین غمگینی و ناامیدی است. فقدان رنگ در نقاشی مبین خلاء عاطفی یا ناتوانی در برون ریزی عواطف است.

❖ نکته‌ی مهم: تفاسیر صورت گرفته از رنگ‌ها، فقط به عنوان یک نشانه است و به گونه‌ای قطعی نمی‌توان در مورد آنها بحث نمود. هم چنین تفسیر درست و صحیح از این رنگ‌ها، فقط از عهده‌ی یک روانشناس متخصص و متبحر بر می‌آید، چراکه در بسیاری از موارد ترکیب و استفاده این رنگ‌ها در کنار یکدیگر معانی متفاوتی را در بر دارد و شاید هر کسی قادر به تفسیر آنها نباشد.

نقش رنگ در دنیای کودکان

رابطه‌ی رنگ با خواب کودکان: رنگ‌ها بر سلامتی روانی کودکان در شب، تأثیر بسزایی دارند لذا در انتخاب رنگ ملافه و روبالشتی کودک این نکته را حتماً در نظر داشته باشید، اصولاً در این مورد نباید از رنگ‌های محرک و تند استفاده کرد. رنگ‌های بسیار تیره، قهوه‌ای، مشکی، آبی تیره بیشتر تأثیر ترسناک و وحشت انگیز دارند و در کودک ایجاد خوف می‌کنند. بچه‌های کوچک از ملافه‌ها و روبالشتی‌هایی که طرح‌های گل و اسباب بازی یا حیوانات روی آن‌ها حک شده باشد، بسیار خوششان می‌آید. بچه‌های پیش دبستانی هم نسبت به رنگ‌های قهوه‌ای روشن، قرمز سیر، سبز ملایم و آبی روشن احساس خوبی دارند. بنابراین تا می‌توانید فضای اطراف محل خواب کودک را از وجود اشیای با رنگ‌های تند، براق و درخشان خلوت کنید. یک محیط ساده و عاری از تنوع زیاد، همراه با آرامش، می‌تواند بهترین موفقیت برای خواب کودک باشد. آنچه باید در طراحی رنگی یک اتاق

خواب همواره در نظر داشته باشیم این است که نه تنها انتخاب مجموعه‌ای از رنگ ها بلکه میزان به کارگیری آن‌ها و سطوحی که اشغال می کنند در مقایسه با هم نیز از اهمیت به سزایی برخوردار است. همچنین ایجاد رابطه میان سطوح رنگی گوناگون با استفاده از جزئیاتی چون قاب عکس، حاشیه‌های کاغذ دیواری نصب شده به دیوار، تکرار طرح خاصی به روی ملحفه و روبالشی‌ها می تواند به یک اتاق، انسجام و هماهنگی بیشتری بخشد. در طرح های رنگارنگ، طرح‌هایی با لکه‌های بزرگ رنگی با زمینه‌های رنگی قوی، بیش از طرح‌های ریزنقش و نامفهوم، نظر کودکان را جلب می کند.

رابطه‌ی رنگ با لباس کودک: کودک، لباس را به دلیل رنگ های جذاب و شاد آن دوست دارد. او درباره تناسب رنگ لباس و این که آیا چنین رنگی به او می آید یا نه، چیز زیادی نمی داند یا توجهی ندارد و به همین دلیل ممکن است حتی در یک زمان لباس‌هایی با رنگ های مختلف و ناهماهنگ را برای پوشیدن انتخاب نماید. کودکان بیشتر مایل به پوشیدن رنگ های قرمز، سبز، نارنجی، زرد، آبی و صورتی هستند.

رابطه‌ی کودک و رنگ اسباب بازی‌ها: بهترین اسباب بازی آن است که کودک را مجذوب خود می کند و او به سراغ آن می رود و تحرک و لذت بیشتری از آن کسب می کند. برخلاف آنچه والدین انتظار دارند هر قدر اسباب بازی دارای شکل غیر اختصاصی تر و بنیادی تر باشد، قوه‌ی تخیل کودک را بیشتر تحریک می کند. اما یکی از نکات بسیار مهم که والدین باید آن را مورد توجه قرار دهند انتخاب اسباب بازی بر حسب سن کودک و رنگ دلخواه آن‌ها است.

اتاق کودکان باید چه رنگی باشد؟ رنگی که برای دکوراسیون اتاق کودک در نظر می گیرید بهتر است با مقطع سنی که کودک شما در آن قرار دارد متناسب باشد. در طول سال اول زندگی رنگ های ملایم برای اتاق کودکان بهترین انتخاب هستند، چرا که نوزاد به نور و سایه بیشتر توجه نشان می دهد تا تفاوت رنگ‌ها، از این رواتاق خواب نوزادان باید با رنگ‌های روشنی مانند سفید و کرم و یا رنگ های زرد، صورتی، آبی یا سبز روشن، رنگ آمیزی شود. هرچه کودک بزرگ تر می شود با به کارگیری رنگ‌های شاد و درخشان در اتاق می توان فضای خوب و سرشار از انرژی و تحرک برای او فراهم آورد. اگرچه استفاده از رنگ-های روشن و طرح های شاد که موردپسند کودکان بوده و موجبات تحریک خلاقیت آن ها را فراهم می آورند در اتاق کودکان توصیه می شود ولی برای رنگ آمیزی این اتاق ها باید همواره از رنگ‌هایی استفاده کرد که در ساخت آن ها سرب به کار نرفته باشد.

برای طراحی رنگ دکوراسیون اتاق کودکان دو راه وجود دارد:

استفاده از رنگ‌های شاد و درخشان و دیگری ایجاد فضایی مملو از رنگ‌های ملایم و رؤیایی که اسباب بازی‌های رنگارنگ کودک در آن، نقش آکسان‌های رنگی را ایفا می کنند. هنگام طراحی رنگ در دکوراسیون اتاق کودک باید به خاطر داشت که اغلب کودکان مجموعه‌ای از اسباب بازی‌های رنگارنگ را در فضای اتاق خود جای خواهند داد که بی شک نمای اتاق را تحت تأثیر قرار می دهند.

❖ نکته: باید از محدود کردن انتخاب کودکان در رنگ دکوراسیون اتاقشان پرهیز کرد و به خاطر داشت که الزاماً نباید اتاق دختران صورتی و اتاق پسران آبی باشد.

معرفی ابزار نقاشی کودک و نحوه استفاده از آنها

برای نقاشی از ابزارها و رنگ‌های مختلفی استفاده می‌شود. رنگ روغنی، اکریلیک، ویترای (نقاشی پشت شیشه) و پاستل گچی، مخصوص افراد بزرگسال است و بیشتر به صورت حرفه‌ای استفاده می‌شوند. انواع آبرنگ، مدادرنگی و گواش، هم به صورت حرفه‌ای و هم به صورت ابتدایی و کودکانه وجود داشته و مورد استفاده قرار می‌گیرند. برخی از ابزارها مانند پاستل روغنی (مداد شمعی)، ماژیک برای نقاشی کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرند. از رنگ‌هایی که ذکر شدند می‌توان به صورت ترکیبی و یا ترکیب با مواد و مصالح دیگر بنا به خلاقیت افراد و نیاز استفاده کرد. در این بخش لازم است جهت آشنایی بیشتر مربیان و اولیای گرامی نحوه و روش صحیح استفاده از برخی رنگ‌های کاربردی کودک توضیح داده شوند.

گواش

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، گواش جزو رنگ‌هایی است که نوع حرفه‌ای و ابتدایی آن در بازار موجود است. گواش‌های مبتدی در واقع همان رنگ پلاستیکی است که گاه با موادی آمیخته و در ظرف‌های کوچک و بسته‌های شش‌تایی و دوازده‌تایی قرار می‌گیرند. گواش جزو رنگ‌های جسمی بوده و از مواد معدنی به دست می‌آید و به همین دلیل پوشش آن نسبت به آبرنگ بیشتر است (یعنی می‌توان روی یک رنگ نقاشی شده، رنگ روشن‌تر آن را نیز اضافه کرد) و شاید نوعی مزیت و برتری به حساب آید.

❖ نکته: برای کشف و هدایت خلاقیت کودک، بهتر است رنگ‌های فرعی و دلخواه از ترکیب رنگ‌های اصلی و سیاه و سفید در کلاس یا ... به دست آیند بنابراین توصیه می‌شود از بسته‌های شش‌تایی استفاده شود تا بنا به نیاز، کودک و هنرجو مجبور به فعالیت و خلق رنگ‌های جدید و دلخواه خود بشود. البته در برخی از مارک‌ها ترکیب رنگ بنفش نتیجه‌ی مثبتی ندارد در این صورت می‌توان از بنفش آماده استفاده کرد.

ابزارهای لازم برای نقاشی و فعالیت با گواش: قلم‌مو، پالت تخم مرغی (برای ترکیب و آماده کردن رنگ)، ظرف آب (لیوان پلاستیکی)، دستمال کاغذی، هستند. برای رنگ‌آمیزی با گواش و آبرنگ بهتر است از قلم‌موی گرد استفاده کنیم. قلم‌موی گرد معمولاً از کوچک به بزرگ شماره‌های مختلفی دارد که اندازه متوسط و شماره‌های ۵ تا ۱۰ برای کودکان مناسب هستند. البته به تناسب نوع نقاشی و اندازه صفحه‌ی نقاشی اندازه قلم‌مو می‌تواند متغیر باشد و شاید در حالت حرفه‌ای از قلم‌موی تخت نرم نیز استفاده شود. به عنوان نمونه قلم‌موهای خیلی ریز برای نگارگری (نقاشی ایرانی) و تذهیب مورد استفاده قرار می‌گیرند و اندازه‌های بزرگ‌تر برای تصویرسازی و ... در اندازه‌ی بزرگ کاربرد دارند. قلم‌موی تخت نیز عموماً برای نقاشی با اکریلیک و رنگ روغنی مورد استفاده قرار می‌گیرد (تصویر ۳- نقاشی با گواش).

روش استفاده از گواش

ابتدا با قلم مو یا کاردک، مقدار رنگ مورد نیاز (مثلاً قرمز) را از قوطی رنگ برداشته و داخل یکی از کاسه های پالت می ریزیم و هم می زنیم تا اجرام آن از هم جدا شده آماده ترکیب با آب شوند سپس با قطره چکان یا هروسیله دیگر، مقدار کمی آب به آن اضافه کرده و با قلم موی رنگی هم می زنیم تا حدی که رنگ ترکیبی را بتوانیم به صورت روان، روی صفحه دلخواه بکشیم. کشش آن زیاد باشد و وسط کار رنگش تمام نشود. در این حالت رنگ برای کار کردن آماده است.

برای ترکیب یک رنگ (مثلاً زرد) با رنگ قرمز باید به صورتی که قبلاً توضیح داده شد عمل کرد و رنگ زرد را در پالت درست کرد سپس از هر یک مقداری برداشته و در کاسه ای دیگر می ریزیم و هم می زنیم تا رنگ دلخواه (نارنجی) را به دست آوریم.

★ نکته: قابل یادآوری است که وقتی با قلم مو، رنگی را برداشته و در پالت درست کرده ایم و بعد می خواهیم رنگی دیگر را از قوطی رنگ برداشته و در پالت بگذاریم، قبل از برداشتن رنگی دیگر باید، قلم موی رنگی را با دستمال تمیز کنیم و سپس در لیوان آب به آرامی شستشو داده و دوباره با دستمال خشک و تمیز کنیم. این کار باعث می شود لیوان آب زود کثیف و تیره نشود و رنگ ها بر روی هم تأثیر نگذارند. هنگام نقاشی کردن و برداشتن رنگ از پالت نیز به همین روش عمل خواهیم کرد.

آبرنگ

آبرنگ نیز جزو رنگ های مورد استفاده در نقاشی است که نوع حرفه ای و آماتور (مبتدی) آن به صورت دوازده تایی و ... در بازار موجود است. روش استفاده از آبرنگ و ابزار آن مانند گواش است با این تفاوت که پالت آبرنگ باید به صورت تخت باشد و حتی می توان از درب شیشه ای آن به جای پالت استفاده کرد. برای کار با آبرنگ نیز از قلم موهای گرد استفاده می شود که نسبت به قلم موهای تخت از ظرافت بیشتری برخوردارند. برای نقاشی با آبرنگ و گواش بهتر است به جای کاغذ از مقوای ضخیم استفاده کرد. برای نتیجه ی بهتر برای نقاشی آبرنگ معمولاً از مقوای بافت داری که رنگ و آب را زود جذب نکنند استفاده می شود (تصویر ۴- نقاشی با آبرنگ).

★ نکته: آبرنگ جزو رنگ های روحی و گیاهی است که در مقایسه با رنگ روغنی، اکریلیک و گواش که از خانواده ی رنگ های جسمی و معدنی هستند، پوشش چندانی ندارد به همین خاطر بهتر است رنگ های تیره بعد از رنگ های روشن و در مراحل پایانی کار اضافه و اعمال شوند.

مداد رنگی

مداد رنگی نیز جزو رنگ های مورد استفاده در نقاشی کودک است که استفاده از آن راحت بوده و شرایط و ابزار خاصی را نمی طلبد به همین دلیل جزو رنگ های مورد استقبال کودکان ابتدایی و حتی پیش از دبستان است. نوع حرفه ای و مبتدی آن به صورت شش تایی، دوازده تایی و ... موجود است. برای انتخاب یک مداد رنگی خوب بهتر است هنگام خرید به نرم و روان بودن رنگ

توجه نموده و روی یک کاغذ امتحان کنیم. شاید بتوان گفت که استفاده از مداد رنگی، کاری آسان برای کودک است و نیاز به توضیح ندارد و تنها تفاوت آن با نقاشی حرفه‌ای با مداد رنگی، نحوه‌ی طراحی و توجه به ظرافت و دقت بیشتر و از همه مهم‌تر سواد بصری و هنری نقاش است. نقاشی‌های حرفه‌ای روی مقوایی با بافت ریز انجام می‌گیرد ولی کودکان می‌توانند در دفتر نقاشی خود و یا روی کاغذ معمولی با مداد رنگی نقاشی کنند. هنگام نقاشی از نوک، پهنای تراشه‌ی مدادرنگی استفاده می‌شود و معمولاً برای پرکردن سطوح از پهنای آن استفاده می‌شود.

★ نکات مهم: بهتر است کودک نیز برای خلق اثری ظریف و دقیق، نوک مداد رنگی‌هایش را تیز نگه دارد. همچنین بهتر است طرح نقاشی خود را با مداد رنگی کم‌رنگ بکشد و سپس بقیه‌ی رنگ‌ها را به نقاشی اضافه کند. هنگام رنگ‌آمیزی بهتر است اول خطوط محیط و سپس داخل طرح را رنگ کرد. البته باید یادآور شد که اگر رنگ‌آمیزی از بالا به پایین انجام شود با دست تماس پیدا نکرده و نقاشی تمیز اجرا خواهد شد.

مداد شمعی

مداد شمعی یا پاستل روغنی از ابزارهای خوبی برای نقاشی کودکان است زیرا به راحتی در دست کودک جا می‌گیرد و قدرت رنگ‌دهی خوبی دارد اما زود می‌شکند و برای ظریف کاری و ریزه کاری زیاد مناسب نیست. روش‌های زیادی برای کار و خلاقیت با گواش وجود دارد که به چند مورد به طور مختصر اشاره می‌شود.

ایجاد بافت و نقاشی با مداد شمعی: با استفاده از مداد شمعی و ترکیب آن با مداد رنگی نقاشی‌های زیبا و همین‌طور بافت‌های جذاب و خلاقانه می‌توان ایجاد و خلق کرد (تصویر ۵- ایجاد بافت با مداد شمعی).

روش خراش یا اسکراچ برد: این فعالیت برای پایه‌های سوم به بالا مناسب است. این روش برای کودکان و بزرگسالان جذابیت زیادی داشته و حتی در رنگ‌های دیگر نیز کاربرد خاصی دارد. روش‌های مختلفی برای خراش وجود دارد که نمونه‌هایی ارائه می‌شوند. ابزارهای کمکی برای این روش عبارتند از: گواش و ابزار وابسته، شیء نوک تیز (نوک پرگار، سوزن ته گرد، ناخن یا ...)، کاربن و مداد.

روش فعالیت ۱: روی کاغذ سفید روغنی یا گلاس را یک لایه با گواش رنگ‌آمیزی می‌کنیم طوری که همه‌ی صفحه پر شود. در مرحله‌ی بعد طرحی متناسب با کاغذ را با کاربن روی گواش انتقال داده و با یک شیء نوک تیز (نوک پرگار، سوزن ته گرد یا ...) نقاط و خطوط مورد نظر را خراش می‌دهیم در این حالت، رنگ سفید زیرین نمایان می‌شود و تضاد و کنتراست زیاد آن باعث جذابیت کار می‌شود (تصویر ۶- اسکراچ برد تک رنگ).

★ نکته: برای ایجاد خراش‌های متنوع از لحاظ ضخامت و کنتراست، باید از ابزارهای متنوعی استفاده نمود.

روش فعالیت ۲: ابتدا کاغذی را به صورتی منظم (عمودی، چپا خانه، افقی، مورب یا ...) با مداد خط کشی کرده سپس میان خطوط را با انواع مداد شمعی رنگ‌آمیزی می‌کنیم. در این مرحله، صفحه‌ی رنگ‌آمیزی شده را با یک لایه مرکب یا گواش

مشکی پُر کرده و منتظر خشک شدنش می‌شویم. در پایان طرح یا نقشی متناسب با کاغذ را با کاربن روی مرکب یا گواش انتقال داده و با یک شیء نوک تیز، نقاط و خطوط مورد نظر را خراش می‌دهیم و در نهایت با یک نقاشی زیبا و جادویی که خلق کرده-ایم مواجه می‌شویم (تصویر ۷- اسکرچ برد رنگی با رویه‌ی گواش).

★ نکته: هنرجو می‌تواند بدون داشتن طرح قبلی و به‌صورت بداهه نیز روی طرح خراش ایجاد کرده و نقاشی کند.

روش فعالیت ۳: این روش دقیقاً مانند فعالیت شماره‌ی ۲ است، با این تفاوت که در این فعالیت به‌جای مداد شمعی زیر کار از مداد رنگی استفاده شده و همچنین به‌جای گواش روی کار از مدادشمعی تیره رنگ استفاده می‌کنیم (تصویر ۸- اسکرچ برد رنگی با رویه‌ی مداد شمعی).

روش استفاده از اتو: فعالیت برای پایه‌های پنجم و ششم مناسب است. ابزارهای کمکی برای این روش عبارتند از: اتو، کاغذ روغنی (گلاسه)، کارد.

روش فعالیت: ابتدا طرحی را روی کاغذی روغنی ترسیم کرده، تراشه‌ها و خرده‌های مداد شمعی را داخل طرح قرار می‌دهیم (مدادشمعی‌های شکسته را با کاردک یا شیء تیز به صورت ذرات ریز و خرد شده در می‌آوریم)، سپس یک کاغذ مات تمیز را روی طرح گذاشته و اتوی داغ را روی آن‌ها می‌کشیم تا مداد شمعی روی کاغذ روغنی بچسبد. بعد از برداشتن کاغذ مات، مشاهده می‌شود که طرحی زیبا و بافتی خلاقانه و بکر ایجاد شده است. طرح می‌تواند به صورت نوشته نیز باشد (تصویر ۹- مداد شمعی با روش اتو).

★ نکته: برای دقیق بودن فعالیت می‌توان کلیشه‌ی طرح را ساخته و خرده‌های مدادشمعی را به‌وسیله‌ی آن انتقال داد. همچنین بهتر است کار با اتو به‌وسیله‌ی مربی یا اولیاء صورت گیرد.

فعالیت‌های رنگ‌شناسی

بعد از شناخت رنگ به صورت تئوری و شفاهی، برای تثبیت شناخت رنگ‌ها، آشنایی عملی با ترکیب رنگ‌های مختلف، خلق رنگ‌های دلخواه و همچنین بازی با رنگ، فعالیت‌هایی پیشنهاد می‌شود که با توجه به موقعیت کلاس، منطقه و توانایی هنرجو و دانش‌آموز و با انتخاب مربی مربوط قابل اجرا خواهد بود.

۱- ترکیب دو به دو رنگ‌های اصلی با هم و ایجاد رنگ‌های فرعی: فعالیت به صورت فردی و برای پایه‌های دوم به بالا مناسب است. به عنوان نمونه، ترکیب رنگ‌های اصلی: زرد و آبی - قرمز و زرد - قرمز و آبی، با هم و خلق انواع رنگ‌های فرعی در درجات مختلف و ... برای این فعالیت می‌توان از گواش یا آبرنگ که نتیجه‌ی بهتری دارند، استفاده کرد.

★ نکته: ترکیب رنگ‌ها را می‌توان با مداد رنگی یا مداد شمعی نیز اجرا کرد که برای پایه‌ی اول مناسب است. گرچه نتیجه‌ی آن مانند گواش یا آبرنگ نخواهد بود ولی کشف و ایجاد رنگ‌های جدید برای کودکان جذاب و به‌یادماندنی خواهد بود.

۲- نحوه‌ی ایجاد خاکستری‌های متنوع و گوناگون با ترکیب سیاه و سفید: فعالیت به صورت گروهی و برای پایه‌های پنجم و ششم به بالا مناسب است. برای این فعالیت باید از **گواش** استفاده کرد.

برای اجرای این فعالیت، دانش‌آموزان، گروه چند نفره تشکیل داده و جدولی با مداد کم رنگ روی کاغذ یا مقوای اشتباه، به صورت خانه‌های ۸ یا ۱۰ تایی ترسیم می‌کنند، در این جدول اولین خانه سیاه بوده و با خاکستری‌های مختلف به صورت تالیه به آخرین خانه‌ی جدول که سفید است می‌رسند دانش‌آموزان با ترکیب و اضافه کردن مقداری سفید به سیاه، هر خانه را پر می‌کنند و تا رسیدن به سفید ادامه می‌دهند (تصویر ۱۰-۱- تالیه، درجات تیرگی و روشنی رنگ‌ها).

☆ نکته: ایجاد تالیه (درجات تیرگی و روشنی) را می‌توان به جای سیاه و سفید با رنگ‌های دیگر مانند قرمز و سفید یا آبی و زرد و غیره نیز اجرا کرد.

۳- فعالیت ترکیب رنگ‌های جدید: این فعالیت برای یک جلسه‌ی درسی، توسط مربی یا معلم اجرا می‌شود.

برای مناطق کمتر توسعه یافته که دسترسی به انواع رنگ‌ها را ندارند لازم است به صورت کارگاهی انجام شود تا ضمن آشنایی کودکان با انواع رنگ‌ها و ابزار نقاشی، کلاسی جذاب و بانشاط داشته باشیم. نحوه‌ی فعالیت بدین صورت است که

الف) مربی با استفاده از رنگ گواش، رنگ‌های دلخواه هریک از دانش‌آموزان را در داخل اشکال هندسی و غیر هندسی، با ترکیب رنگ‌های اصلی و سفید را ایجاد می‌کند.

ب) مربی و آموزگار، برای هر رنگی، انواع مختلفی (مثلاً انواع سبز) را ترکیب کرده و در صورت امکان، دانش‌آموزان با همکاری و مشورت هم برای آن‌ها اسم و عنوانی تعیین کنند.

۴- مسابقه‌ی رنگ: فعالیت به صورت گروهی و برای پایه‌های چهارم به بالا انجام می‌گیرد.

نحوه‌ی فعالیت: معلم، نام یک رنگ را روی تخته می‌نویسد و هر گروه در یک برگه‌ی سفید شروع به نوشتن اسم‌ها و عناوین محلی، تخصصی و کاربردی برای آن رنگ می‌کنند. به عنوان نمونه، برای رنگ سبز: زیتونی، یشمی، مغزپسته‌ای، لجنی و ... ذکر می‌کنند و هر گروه تعداد بیشتر و صحیح‌تری بنویسد برنده خواهد بود. فعالیت را می‌توان به تناسب وقت و علاقه‌ی کلاس با مسابقه برای رنگ‌های دیگر ادامه داد. جهت آشنایی بیشتر هنرجویان و یادآوری برای معلمان، تعدادی از عناوین برای انواع رنگ‌ها ارائه می‌شود (تصویر ۱۱-۱۲).

۵- قرار دادن رنگ‌های متضاد و مکمل در کنار یکدیگر با اشکال هندسی یا ارگانیک:

فعالیت برای پایه‌ی چهارم به بعد به صورت فردی یا گروهی انجام شود. بهتر است شناخت و کاربرد رنگ‌های متضاد در یک فعالیت نقاشی انجام گیرد.

منابع و مآخذ

- آیت‌اللهی، حبیب‌الله، مبانی نظری هنرهای تجسمی، نشر سمت، تهران، ۱۳۸۵
- جعفری، محمد تقی. زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران، ۱۳۸۱.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. دیوان حافظ، فرهنگ و هنر، تهران، ۱۳۸۶.
- حاج سیدجواد، خرمشاهی. دائرة المعارف تشیع، نشر محبی، ۱۳۸۱.
- حسینی راد، عبدالمجید. مبانی هنرهای تجسمی، نشر مدرسه، تهران، ۱۳۸۲.
- داداش زاده، کاوه، نقاشی و نوشته‌های کودکان، تهران ۱۳۷۳.
- سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش و پرورش، راهنمای درس هنر، نشر اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، تهران، ۱۳۸۵.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. کلیات سعدی، بادیادک، تهران، ۱۳۸۷.
- علی اکبر زاده، مهدی. رنگ و تربیت، چاپ دوم، انتشارات میشا، چاپ سعید نو.
- قرآن کریم، نشر ستاد عالی کانون‌های فرهنگی مساجد، اسراء، قم، ۱۳۹۰
- لوشر، ماکس. ترجمه ویدا ابی زاده، روانشناسی رنگ‌ها، چاپ چهاردهم، ناشر: درسا، محل نشر: خوشه، ۱۳۷۸.
- محمدی، ایران، دوالو، منصور. تاریخ هنر ایران، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۹.
- منصوری، ذبیح‌الله، مغز متفکر جهان شیعه، مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ، جاویدان، ۱۳۸۰.
- مهدوی، رضا. موسیقی (آشنایی با موسیقی)، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۵.
- مهرمحمدی، محمود. آموزش عمومی هنر (چیستی، چرایی و چگونگی)، مدرسه، تهران، ۱۳۹۰.

مقاله‌ها و سایت‌ها

پهلوان، حسین. روان‌شناسی رنگ‌ها در قرآن و حدیث، فصلنامه پژوهشی دانشور: ۲۱؛ رنگ و تربیت: ص ۶۴.

مطهری الهامی، مجتبی. تأملی در تعریف هنر، <http://firooze.ir/article-fa-۲۱۹.html>. ۹۶/۰۱/۰۶